



عکس: gettyimages

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

RS

## بایدن برای جلوگیری از جنگ ناتوان است یا بی‌میل؟

رابرت هانتز

سفیر پیشین آمریکا در ناتو

خاورمیانه در آستانه یک «لحظه سارایوو» قرار دارد و بیش از هر زمان دیگر یک منازعه بزرگ میان ایران و اسرائیل محتمل است. [لحظه سارایوو به واقعه ترور آرچیدوک فرانز فرديناند وليعهد اتریش در سال ۱۹۱۴ گفته می‌شود که جرعه جنگ جهانی اول را زد]. رهبران ایران و اسرائیل در بین دو گزینه جنگ و صلح مانده‌اند اما یک رهبر دیگر در این میان نقش مهمی دارد: جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، رئیس‌جمهور آمریکا برای متوقف کردن این منازعه از تبدیل به یک تنش غیرقابل کنترل باید نسبت به آنچه در یک سال گذشته انجام داده‌است، اقتدار بیشتر و انفعال کمتری از خود نشان دهد. با تبادل آتش میان ایران و اسرائیل، مجموعه منازعه‌ها از شام و یمن فراتر رفته‌است و در حال تبدیل شدن به یک جنگ مستقیم میان ایران و اسرائیل است. اگر این دو طرف به سرعت کاهش تنش ندهند، مقیاس نبرد و اثر استراتژیک آن به حدی در منطقه و فراتر از آن وسیع خواهد بود که می‌تواند تمام جنگ و خرابی‌های کنونی را ناچیز جلوه دهد. تردیدی نیست که آمریکا هم به این جنگ کشیده خواهد شد.

نتایج‌ها از این موضوع استقبال می‌کند و مدت‌هاست که چنین مسئله‌ای در برنامه‌ریزی استراتژیک او قرار دارد و رهبر ایران هم این اتفاق را ناگزیر می‌داند. با توجه به اینکه بایدن تمایلی ندارد بیش از حرف زدن کاری در مورد آتش‌بس در غزه انجام دهد و باتوجه به اینکه نفی حقوق فلسطینیان توسط اسرائیل را پذیرفته و راهکار دودلانی را به فراموشی سپرده‌است، نتایج‌ها هیچ‌مانعی در مقابل خودش برای برداشتن گام بعدی در استراتژی بلندمدت‌ش نمی‌بیند؛ ریشه کن کردن حزب‌الله از لبنان، بایدن عملاً به کارزار بمباران گسترده و حمله زمینی به لبنان که تاکنون باعث آوارگی یک میلیون نفر در لبنان و مرگ ۲۰۰۰ نفر شامل شهروندان غیرنظامی شده‌است، چراغ سبز نشان داده‌است. خطر بزرگ‌تر این است که وقتی نتایج‌ها تمرکز نظامی‌اش را به ایران برگرداند، بایدن اقدامی انجام نخواهد داد. جبهه ایران بسیار برای آینده

تمام خاورمیانه و منافع استراتژیک آمریکا در آنجا اهمیت دارد. نتایج‌ها مثل همیشه محاسبات زیرکانه‌ای در مورد سیاست داخلی آمریکا انجام داده‌است. در حالی که کمتر از یک ماه به انتخابات در آمریکا، بایدن هیچ کاری برای جلوگیری از اقدام‌های نظامی اسرائیل تا ۹ نوامبر و یا حتی روز تحلیف رئیس‌جمهور بعدی انجام نمی‌دهد. بایدن این مخاطره را به جان نمی‌خورد که اسرائیل و لابی قدرتمندش در واشنگتن آزرده شود. اینکه بایدن فقط از اسرائیل به صورت لفظی بخواهد که به تاسیسات حیاتی ایران حمله نکند و باعث بروز جنگ تمام‌عیاری که آمریکا را به کام خود می‌کشد، نشود، بعید است که باعث کاهش تنش شود. شکی نیست که این خواست همیشگی نتایج‌ها بود که آمریکا برای اسرائیل «سنبله ایران» را حل کند. حمایت عمومی آمریکا از اسرائیل همواره قوی بود، هر چند در برخی موقعیت‌هایی مانند جنگ ۱۹۵۶ و سوئز و محاصره ۱۹۸۲ بیروت از اسرائیل خواسته‌بود تا از برخی عملیات نظامی خودداری کند. واشنگتن در عین حال گاهی سیاست‌های اسرائیلی را، مانند شپه‌ک‌سازی گسترده در کرانه باختری، محکوم کرده‌است. البته فقط زبانی و نه با اقدام‌های جدی.

آمریکا به‌عنوان اصلی‌ترین و قدرتمندترین حامی اسرائیل حالا بیان به وضوح اعلام کند که اگر نتایج‌ها و داروستان‌هاش ارزیابی آمریکا را از نیازهای امنیتی اسرائیل در نظر نگیرند، حمایت نظامی و دیپلماتیک آمریکا از اسرائیل به مخاطره می‌افتد. اسرائیل باید منافع آمریکا را در نظر بگیرد که از جمله آنها این است که ریسک یک منازعه جدی را افزایش ندهد. آمریکا و دیگران در عین حال از ایران هم بخواهند که اقدام نظامی انجام ندهد تا جنگی وسیع و مخرب رخ ندهد. تهران ممکن است خودش این موضوع را درک کند. اگر بایدن می‌خواهد جلوی وقوع «لحظه سارایوو» را بگیرد، همین حالا باید به جای اینکه چشم‌انداز و تمایل‌های اسرائیل را در نظر بگیرد، به منافع آمریکا اولویت بدهد. آنچه رخ می‌دهد یک آزمون مهم برای میراث سیاست خارجی بایدن است. حتی الان هم معلوم نیست که او آمادگی دارد کاری را که باید و از او به عنوان فرمانده کل قوا انتظار می‌رود انجام دهد.

# رقابت‌های خاورمیانه‌ای در آفریقا

## چگونه منازعه‌های خاورمیانه و غرب آسیا به تدریج به قاره آفریقا سرریز کرد؟



حسن حسن

سردبیر و بنیان‌گذار  
مجله نیولاینز

رنا مودوح

روزنامه‌نگار در نشریه Alpheratz

نگاه  
تحلیلی

NEW/LINES

امارات متحده عربی و ترکیه با تعمیق روابط با طالبان دنبال افزایش نفوذ هستند. این پویایی جدید می‌تواند کمک کند تا انگیزه‌های بسیاری از تحولات اخیر در منطقه را بهتر درک کنیم. برای مثال حملات حوثی‌ها در دریای سرخ از سوی تحلیل‌گران (تقریباً بدون استثنا) به عنوان واکنشی به جنگ اسرائیل با حماس در نوار غزه و در چارچوب جبهه‌های نبرد اسرائیل با محور مقاومت تحت رهبری ایران ارزیابی می‌شود. اما این تحلیل ممکن است یک پویایی مؤثرتر و بلندمدت‌تر که در جریان است نادیده گرفته‌باشد: صحیح‌تر است که این حملات را در پیوند با تحولات شاخ آفریقا ارزیابی کنیم. مثال دیگر تنش‌های میان مصر و اتیوپی بر سر حقایق است که در کنار تلاش‌ها برای آشتی قاهره و آنکارا آن را می‌توان درست مشابه جنگ‌های سودان و سومالی در همین چارچوب ارزیابی کرد. هم‌زمان با اینکه دولت‌های حاشیه خلیج فارس تلاش می‌کنند نفوذ خود را تقویت کنند و قدرت‌های جهانی مانند روسیه و چین هم مداخله خود را در آفریقا و افغانستان افزایش دهند، این الگوهای تنش تشدید می‌شوند و احتمالاً به آینده سیاست‌های جهان عرب شکل می‌دهند. یکی از آثار احتمالی این است که شکاف‌ها تشدید شود و در کشورهای بحران‌زده‌ای که این کشورها در آن مداخله می‌کنند خود را نشان دهند.

در این چارچوب می‌توان منازعه جاری میان اتیوپی و مصر را بر سر حقایق رود نیل بررسی کرد. اتیوپی ۲۶ اوت امسال عملیات اجرایی سد بزرگ نوزایی اتیوپی را تکمیل کرد. عملیات ساخت این سد با هزینه ساخت ۷/۴ میلیارد دلار از سال ۲۰۱۱ آغاز شد و به‌رغم اعتراض‌های مصر و سودان که در پایین دست رودخانه قرار دارند و به شدت به آب آن وابسته هستند، به پایان رسید. تلاش‌های میانجی‌گری زیادی از جمله از طرف آمریکا، بانک جهانی، تعدادی از کشورهای خلیج فارس و بازیگران بین‌المللی برای تعیین حقایق مصر و سودان ناکام ماند. نیل منبع مهم آب مصر است که سالانه ۵۲ هزار میلیارد لیتر آب این کشور را تأمین می‌کند که نزدیک به ۷۹ درصد از کل منابع آب این کشور و ۹۵ درصد از آب مصرفی کشور است. اما اتیوپی برای تأمین انرژی مورد نیاز نیروگاه‌های برقی آبی این سد، باید مقدار زیادی از نیل را ذخیره کند.

هر چند ادیس آبابا تکمیل این سد را به‌عنوان یک دستاورد بزرگ جشن گرفت، اما واکنش مصر بلافاصله در سومالی خود را نشان داد. درست ۲۴ ساعت بعد از آنکه ابی احمد، نخست‌وزیر اتیوپی اعلام کرد که سد نوزایی در ماه دسامبر کاملاً عملیاتی خواهد شد، دو هوپامای نظامی مصری پر از سرباز، اسلحه و تجهیزات در فرودگاه موگادیشو فرود آمدند. اعزام این سربازان و تجهیزات بخشی از توافقنامه دفاعی بین دو کشور بود که طبق آن قرار بود ۱۰ هزار سرباز مصری به سومالی اعزام شوند. اتیوپی بلافاصله واکنش نشان داد و تعداد بیشتری از نیروهای نظامی خود را در مرز با سومالی مستقر کرد. سخنگوی وزارت امور خارجه اتیوپی هشدار داد که اتیوپی در برابر تلاش‌ها برای تهدید امنیت ملی اتیوپی، بی‌ثبات‌سازی منطقه را بر نمی‌تابد. اعزام نیروهای مصری که رسماً در قالب توافقنامه همکاری‌های نظامی تصویر می‌شود، دو هدف را دنبال می‌کند: تقویت مشارکت مصر در نیروهای حافظ صلح آفریقای در سومالی و مسدودسازی جاه طلبی‌های اتیوپی برای دسترسی دائمی به ساحل دریای سرخ. این اقدام به مصر اجازه می‌دهد که نیروهای خود را در نزدیکی مرزهای سومالی با اتیوپی مستقر کند. این تحولات باعث تشدید تنش میان دو قدرت منطقه‌ای در آفریقا شده‌است و ریسک وقوع یک درگیری نظامی را که باعث ورود دیگر کشورهای منطقه و فراتر از آن شود، افزایش داده‌است. اوایل سال ۲۰۲۴ اتیوپی یک تفاهم‌نامه با سومالی امضا کرد. سومالی یک جمهوری خودخوانده است که سومالی آن را بخشی از تمامیت ارضی خود تلقی می‌کند. براساس این توافق اتیوپی یک نوار ساحلی ۲۰ کیلومتری با دریای سرخ از سومالی‌لند برای ۵۰ سال دریافت می‌کند که به اتیوپی اجازه می‌دهد تا در آنجا پایگاه نظامی ایجاد کند. در عوض اتیوپی استقلال سومالی‌لند را به رسمیت شناخت و بخشی از درآمدهای خطوط هوایی اتیوپی را به این کشور واگذار کرد. ماه اوت اتیوپی یک هیئت بلندپایه سیاسی به سومالی‌لند اعزام کرد که نخستین سفر دیپلماتیک به سومالی‌لند از سوی یک کشور خارجی محسوب

می‌شد. توافق اتیوپی با سومالی‌لند در اساس تلاشی برای دسترسی مجدد اتیوپی به آب‌های گرم است که اعلام استقلال اریتره در سال ۱۹۹۳ باعث شد چنین ساحلی را از دست بدهد. اتیوپی به‌عنوان یک کشور محصور در خشکی برای ۹۵ درصد از تجارت خارجی خود وابسته به جیبوتی است؛ یک وابستگی پرهزینه که این توافق جدید با سومالی‌لند قرار است به آن پایان دهد. توافق اتیوپی و سومالی‌لند باعث خشم همسایگان و به‌ویژه سومالی شد. این اقدام آیس آبابا همچنین باعث نگرانی در جیبوتی شد؛ چرا که این کشور هم احساس کرد که ممکن است میلیاردها دلار درآمدهای بندری خود را از دست بدهد. اریتره هم که در گذشته تحت حاکمیت اتیوپی بود، نسبت به توسعه طلبی اتیوپی احساس نگرانی کرد. مصر تنش‌های روزافزون اتیوپی را با همسایگانش، یعنی سومالی، اریتره و جیبوتی، یک فرصت برای خود تلقی کرد و به سرعت توافقنامه با سومالی‌لند را محکوم کرد. ماه ژانویه عبدالفتاح سیسی، رئیس‌جمهور مصر مخالفت خود را با این توافقنامه علنی و اعلام کرد که مصر به تمامیت ارضی سومالی متعهد است و این پیام را رساند که مصر آماده مقابله با بلندپروازی‌های اتیوپی است. بلافاصله پس از این موضوع مصر یک توافقنامه همکاری نظامی با سومالی امضا کرد تا روابطی با اتیوپی تشدید شود. در حالی که مصر در ابتدا فقط ناخرسندی خود را از اقدام اتیوپی اعلام کرده بود، بدون اینکه اقدامی انجام دهد، در میانه‌های ماه اوت قاهره یک پروتکل همکاری نظامی با سومالی امضا کرد که تمرکز آن بر آموزش نیروهای نظامی، به اشتراک‌گذاری اطلاعات و امنیت دریانوردی بود. این اقدام واکنشی به نفوذ روزافزون اتیوپی در منطقه بود و به مصر اجازه می‌داد تا در نزدیکی مرز اتیوپی حضور داشته‌باشد و با استراتژی کلان‌مصر برای مقابله با جاه طلبی‌های اتیوپی، از جمله دسترسی به دریا، هماهنگ بود و در عین حال موازنه قدرت را در شاخ آفریقا برپا می‌کند.

### حضور بازیگران خاورمیانه‌ای در شاخ آفریقا

این منازعه طاهره‌آوردجانه میان اتیوپی و مصر با حضور بازیگران دیگر خارج از محدوده حوضه آبریز نیل، پیچیده‌تر شده‌است. امارات متحده عربی، ترکیه، اسرائیل و ایران همگی در آفریقا حضور پیدا کرده‌اند. مصر که روزگاری قدرت مسلط در دریای سرخ بود، اکنون تلاش می‌کند که بار دیگر قدرت خود را از جمله از طریق همکاری با دولت سومالی، بازیابی کند و در عین حال منافع احتمالی دیگر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را در منطقه ارزیابی می‌کند. ترکیه و امارات متحده عربی سال‌های دراز است که دنبال جای پای خود در شاخ آفریقا و فراتر از آن می‌گردند. این منطقه که شامل سومالی، اریتره، اتیوپی و جیبوتی می‌شود به دلیل اهمیت آبراه‌های بین‌المللی از جمله خلیج عدن و باب‌المنندب، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

رقابت‌ها در منطقه خاورمیانه در ابتدا با رقابت‌های اقتصادی کم‌حجم در قالب ایجاد اتلاف‌ها و همکاری‌های نظامی شروع شد. در حین منازعه داخلی سومالی و بتازگی آغاز منازعه در سودان، این دیپلماسی بی‌سروصدا اجازه داد تا مداخله نظامی در این تنش‌ها شکل بگیرد و طرف‌های منطقه‌ای از یکی از طرف‌ها پشتیبانی کنند. ترکیه از سال ۲۰۱۷ به سومالی پهباد می‌فروشد و امارات متحده عربی در حال حاضر از نیروهای ارتش سودان حمایت می‌کند. تنش‌های روزافزون میان مصر و اتیوپی باعث شد تا ائتلاف‌های منطقه‌ای شکل تازه‌ای به خود بگیرند. مصر در این منازعه مجبور شد با ترکیه و قطر همسو شود و در مقابل متحدان پیشین خودش یعنی امارات متحده عربی و عربستان سعودی قرار بگیرد. نتیجه این تحول در ائتلاف‌های منطقه‌ای این شد که عبدالفتاح سیسی، رئیس‌جمهور مصر در یک سفر تاریخی به آنکارا رفت تا بعد از نزدیک به یک دهه، روابط ترکیه و مصر که از سال ۲۰۱۳ قطع شده بود، در پی تلاش‌های سال‌های اخیر برای آشتی احیا شود. براساس گزارش‌های که العربی‌الجدید در ۳۰ اوت منتشر کرد از ماه‌های پیش از این سفر، هماهنگی بین نیروهای نظامی ترکیه و مصر در آغاز شده بود. در چارچوب این هماهنگی‌ها کشتی‌های ترکیه‌ای در اواخر ماه اوت وارد بندر مصری شدند تا با همراهی نیروی دریایی مصر به سمت سومالی حرکت کنند. بر اساس